



## بررسی روابط ایران و اروپا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام

یاسر کهرآزه<sup>۱</sup>

ابوالفضل آراسته<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

### چکیده

امروزه در عرصه روابط بین‌الملل، کشورهای جهان جهت کاهش نزاع و اختلاف و همچنین تقویت مبادلات و مراودات فی‌مابین، اقدام به ایجاد توافق‌نامه‌های بین‌المللی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌نمایند. برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان) در شهر وین صورت گرفت، نمونه‌ای از این توافق است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی به آن پرداخته شده، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که روابط جمهوری اسلامی ایران و اروپا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام چگونه بوده است؟ پژوهش حاضر این فرضیه را به آزمون گذاشته است که پس از تصویب برجام، روابط سیاسی و اقتصادی ج.ا.ایران با کشورهای اروپایی از بهبود نسبی برخوردار شده است لیکن به دلیل کارشکنی‌های ایالات متحده آمریکا، از همان ابتدا روابط کشورهای اروپایی با ایران بر مبنای محافظه‌کاری و ترس بوده و پس از خروج کشور آمریکا از توافق برجام، کشورهای اروپایی نیز با خروج سرمایه و شرکت‌های اقتصادی خود از ایران و همچنین اعمال تحریم‌های ظالمانه، پیروی از سیاست‌های آمریکا را بر پایبندی به توافق برجام ترجیح داده‌اند.

### کلمات کلیدی

اروپا، ایالات متحده آمریکا، ایران، برجام، روابط بین‌الملل.

۱- گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول) yaser.kahraze@yaho.com

۲- دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

## بررسی روابط ایران و اروپا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام/کهرازه و آراسته

### مقدمه

تاریخچه روابط ایران و اروپا پس از انقلاب اسلامی ایران همواره با فراز و نشیب همراه بوده است. کشورهای اروپایی با جمهوری اسلامی ایران که دارای یک ایدئولوژی حکومتی تازه متولد شده بود چندان احساس انس نمی‌کردند، اما روابط آن‌ها با ایران بسیار حسنه‌تر از آمریکا بود. این روابط چندان هم مطلوب و بادوام نبوده و شاید بتوان اولین جرعه تنش ایران و اروپا پس از تشکیل اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۱ را به واقعه میکونوس که در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در برلین آلمان اتفاق افتاد، مربوط دانست. پس از میکونوس آلمان در گام اول و در پی آن سایر دولت‌های اروپایی، روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کردند، اما متعاقب این قضیه، تحریمی علیه ایران وضع نگردید (موسویان، ۲۰۰۸: ۱۰۷). این شرایط خیلی طولانی نبود و پس از مدت کوتاهی دولت‌های اروپایی بار دیگر به ایران نماینده فرستادند و تنش در روابط تا حدودی کاسته شد.

کشورهای اروپایی همواره به بهانه‌های مختلف سعی کرده‌اند مخالفت خود با وضعیت ایران پس از انقلاب اسلامی ایران را نشان دهند و به‌عنوان مثال بر مباحثی چون وضعیت حقوق بشر در ج.ا.ایران همواره اعتراض داشته و منتقد وضعیت موجود بوده‌اند اما هیچ‌چیز مانند قضیه هسته‌ای حساسیت آن‌ها را برانگیخته نداشت. به دنبال این حساسیت‌ها، کشورهای اروپایی (تروئیکا) تلاش کردند تا در دولت سید محمد خاتمی مذاکرات فشرده‌ای را ترتیب داده و در خصوص مباحث هسته‌ای تصمیمات مهمی را اتخاذ نموده و باعث توقف فعالیت ایران در این زمینه شوند. بر همین اساس مذاکرات اروپا و ایران در زمینه هسته‌ای آغاز و از جمله مهم‌ترین نتایج آن بیانیه تهران و قبول تعلیق غنی‌سازی از جانب ایران بود. البته پس‌از این پذیرش، تروئیکا در درخواستی طمع‌کارانه خواستار توقف کلیه فعالیت‌های هسته‌ای شد و این نشان داد که استراتژی تدافعی ابزار مناسبی برای رسیدن به حقوق ایران نیست (شمس‌آبادی، ۱۳۹۶: ۵).

با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد و اتخاذ سیاست تهاجمی در حوزه انرژی هسته‌ای مشخص شد که لحن کشورهای عضو با ایران ملایم‌تر شده و کشورهای اروپایی به دنبال ترغیب ایران جهت تغییر سیاست‌هایش گام برداشتند.

اروپایی‌ها برای اثبات ادعاهای خود مبنی بر تغییر استراتژیک در خصوص ایران و به‌نوعی نرمش نشان دادن در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران، نه‌تنها حق غنی‌سازی را برای ایران به رسمیت شناختند بلکه حاضر به تعهد ساخت نیروگاه آب سبک برای ایران هم شدند؛ اما تهران توجهی به این پیشنهادها و فعالیت‌های هسته‌ای خود را گسترش داد. اروپایی‌ها که همچنان نسبت به فعالیت‌های

## فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۶، پائیز ۱۴۰۰

هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نگران بوده و حساسیت بیشتری نسبت به سایر موضوعات به آن نشان می‌دادند، با روی کار آمدن دولت نهم و اتخاذ سیاست تهاجمی در حوزه‌های هسته‌ای، مذاکرات را گزینه مناسبی جهت توقف سیر صعودی ایران در زمینه هسته‌ای ارزیابی نکرده و هم‌راستا با تحریم‌های مصوب شورای امنیت در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ اقدام نموده و حتی خود نیز مستقلاً تحریم‌هایی برای فشار مضاعف بر ایران تصویب کردند.

اروپا تحریم‌های خود علیه ج.ا.ایران را استمرار داده و در سال ۲۰۱۲ تحریم‌های نفتی را علیه ایران اعمال کرد (کورتوگ، ۲۰۱۳). می‌توان گفت تحریم‌های نفتی سنگین‌ترین فشارها را بر ایران وارد آمد چراکه بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران، همین نهاد بود و عمده صادرات ایران هم نفت بود، پس‌ازاین تحریم‌ها، ۸۶ درصد حجم واردات از ایران و ۲۶ درصد حجم صادرات به این کشور افت کرد.

با شروع به کار دولت یازدهم، مذاکرات هسته‌ای با جدیت بیشتری پیگیری شد و در نهایت توافق هسته‌ای برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) حاصل شد و اتحادیه اروپا هم‌زمان با روز اجرا شدن عهدنامه توسط ایران، تحریم‌های اقتصادی و مالی مربوط به مسئله هسته‌ای را برداشت؛ اما از همان روز توافق، آمریکا موانع بسیاری بر سر راه پیوند دوباره میان ایران و اروپا تراشیده و کاری کرده که شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی میان معامله با ایران یا همکاری با آمریکا یکی را انتخاب کنند. آمریکا کارشکنی‌های خود را ادامه داد و پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ پس‌ازاینکه نتوانست تغییراتی را در توافق برجام ایجاد نماید، از توافق مذکور خارج شد و از اروپایی‌ها خواست تا آمریکا را در این زمینه حمایت نمایند.

در چنین شرایطی هدف این پژوهش، بررسی تأثیر برجام بر روابط ایران و اروپا بوده و اینکه خروج آمریکا از برجام چه تأثیری بر روابط ایران و اروپا گذاشته است؟ پژوهش حاضر در راستای این هدف، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی شرایط پس‌برجام پرداخته و این فرضیه را به آزمون گذاشته است که پس از تصویب برجام و قبل از خروج آمریکا از این توافق، روابط سیاسی-اقتصادی ایران و اروپا بهبود نسبی یافته لیکن با خروج آمریکا از برجام، کشورهای اروپایی به تعهدات برجامی پایبند نبوده و پیروی از سیاست‌های آمریکا را بر پایبندی به توافق برجام ترجیح داده‌اند.

### **چارچوب نظری**

در اوایل دهه ۱۹۸۰ شاهد طرحی نو برای مطالعه واقعیت‌ها، پدیده‌ها و رفتارهای بین‌المللی هستیم که حدفاصل میان نظریات تبیینی و تأسیسی قرار می‌گیرد؛ از این طرح نو با عنوان سازه‌انگاری یاد می‌شود (کرمی، ۱۳۸۴: ۲۷). سازه‌انگاری به عوامل فکری همچون فرهنگ و هنجارها در سیاست بین

### بررسی روابط ایران و اروپا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام/کهرازه و آراسته

الملل بها می دهد و سیاست بین الملل را بر اساس یک هستی شناسی رابطه‌ای می بیند. کانون توجه سازه‌انگاری آگاهی بشری است، درعین حال آن‌ها از آرمان‌گرایی (ایدئالیسم) نیز اجتناب می‌کنند و تأکید دارند که همه‌چیز را به زبان و گفتمان تقلیل نمی‌دهند. بدین لحاظ نظریه سازه‌انگاری بین نظریات روابط بین‌الملل به منظور راهی میانه محسوب می‌شود (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۴ : ۵۴).

<p>تبیین: Explanation</p> <p>==</p> <p>اثبات‌گرایی : Positivism</p> <p>==</p> <p>عقل‌گرایی : Rationalism</p>	<p>راه میانه: _____</p> <p>The Middle Ground</p> <p>==</p> <p>سازه‌انگاری ونت</p>	<p>تفهم: Understanding</p> <p>==</p> <p>پسا اثبات‌گرایی: Post Positivism</p> <p>==</p> <p>بازاندیشه‌گرایی یا انعکاس‌گرایی: Reflectivism</p>
--	---	---

شکل ۱-

منبع (ویکت، ۲۰۰۲ : ۳۶؛ دانش نیا، ۱۳۹۴ : ۲۲)

به نظر الکساندر ونت، سازه‌انگاری، یک نظریه ساختار نظام بین‌الملل، با این ادعاهای محوری است: (۱) دولت‌ها واحدهای اصلی تحلیل در نظریه روابط بین‌الملل هستند. (۲) ساختار کلیدی نظام دولت‌محور، بینا ذهنی هستند نه مادی و عینی. (۳) هویت و منافع دولت‌ها، عمدتاً توسط ساختارهای اجتماعی ساخته می‌شوند نه این‌که از بیرون توسط ماهیت انسان یا سیاست داخلی به سیستم داده شوند. سازه‌انگاری از حیث هستی‌شناسی از «معناگرایی» در مقابل «ماده‌گرایی» و از «ذهنیت‌گرایی» در مقابل «عینیت‌گرایی» دفاع می‌کند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶ : ۲۱۰).

هویت کنشگران، در کانون نظریه سازه‌انگاری قرار دارد. اگرچه طیف مختلف سازه‌انگاران اعم از مدرن و پسا مدرن نیز در درون خود شقوق مختلف دارند ولی همگی با این دیدگاه واقع‌گرایان و لیبرال‌ها مخالف‌اند که هویت و منافع دولت‌ها از پیش تعیین شده است (استین، ۲، ۲۰۰۵ : ۳۰۳) از نظر سازه‌انگاران هویت‌ها اموری مسلم و قطعی نیستند، بلکه اموری هستند که ما آن‌ها را ایجاد کرده‌ایم و به همین دلیل که ما آن‌ها را ایجاد کرده‌ایم می‌توانستیم آن‌ها را به گونه‌ای دیگر تشکیل دهیم.

سازنده‌گرایان برخلاف واقع‌گرایان و نهادگرایان می‌گویند آنچه رفتار دولت‌ها را در عرصه بین‌المللی هدایت می‌کند، هنجارها و هویت آن‌هاست و منافع مادی و فیزیکی در اولویت بعدی قرار می‌گیرند. متغیر کلیدی در درک رفتار خارجی دولت‌ها در نظام بین‌الملل، هویت دولت است که خود برگرفته از هنجارهای داخلی بوده و به واسطه مباحثات عمومی در رسانه‌ها و فرایند شکل‌گیری هویت مسلط صورت‌بندی می‌شود. اگر دولتی هویت خود را با حقوق بشر و ارزش‌های جهان‌شمول تعریف کند، ناگزیر برای حفظ این هویت باید کارهایی انجام داده و سیاست‌هایی اتخاذ کند که الزاماً از نظر واقع‌گرایان مبتنی بر منافع مادی نباشد لیکن از آن‌جائیکه کارهای دولت برگرفته از هنجارهای داخلی می‌باشد، قابل قبول و ارزشمند تلقی می‌شود.

در نتیجه سیاست خارجی کشورها همواره تابعی از شرایط حاکم بر محیط داخلی و بین‌المللی است. بررسی سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف، نشان می‌دهد که چگونه نوع هنجارهای حاکم بر روابط بین‌الملل می‌تواند با تحت تأثیر قرار دادن فضای هنجاری داخلی، سیاست خارجی کشورها را به سمت تعریف جدیدی از منافع سوق دهد (محمدنیا، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

پس از پایان دولت نهم و دهم، به دلیل تشدید تحریم‌های هسته‌ای و اقتصادی توسط آمریکا و اتحادیه اروپا، هنجارهای داخلی به سمت و سوی تمایل به تغییر گرایش پیدا نمود. در چنین شرایطی آقای روحانی در شعارهای انتخاباتی خود از تغییر رویکرد با غرب و آمریکا سخن گفت و بر پایه نظریه سازه-انگاری عنوان داشت هویت و منافع ج.ا.ایران در قبال غرب از پیش تعیین شده نیست و ایران می‌تواند بر اساس مفروض‌های زیر به وسیله مشارکت و تعامل با غرب، در قالب ایجاد توافق هسته‌ای، تغییرات مثبتی را ایجاد نموده و ضمن مرتفع نمودن موانع تحریمی ج.ا.ایران، رونق اقتصادی را ایجاد نماید.

دشمنی ایران با غرب بیشتر از آنکه ذاتی هویت جمهوری اسلامی ایران باشد، محصول سوءتفاهم و رفتارهایی است که در گذشته از هر دو طرف سر زده است، هرچند سهم غرب در این میان بیشتر است؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در عین حفظ ارزش‌های بنیادین خود با غرب وارد تعامل و همکاری با آن شود؛

چه بخواهیم و چه نخواهیم غرب و به‌طور مشخص آمریکا قدرت مسلط نظام بین‌المللی کنونی است. این یک واقعیت است. هرچند نمی‌توان هر واقعیتی را پذیرفت اما عقل حکم می‌کند که نباید نسبت به آن بی‌تفاوت بود. اقدامات ضد ایرانی واشنگتن در سال‌های اخیر محدودیت‌هایی را برای ج.ا.ایران فراهم کرده است و قدرت مانور ما را در نظام بین‌الملل و حتی منطقه کاهش داده است. پس عقلانیت و محاسبه

## بررسی روابط ایران و اروپا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام/کهرآزه و آراسته

سود و زیان ايجاب می‌کند ج.ا.ایران برای کاستن از این محدودیت‌ها و هزینه‌های ناشی از آن، وارد تنش‌زدایی با غرب و آمریکا شود؛

اگر ج.ا.ایران بخواهد به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شود، این کار در صورت مخالفت و دشمنی غرب، اگر غیرممکن نباشد بسیار دشوار و هزینه‌بر خواهد بود. اگر ایران بخواهد یک بازیگر اصلی در محیط خاورمیانه باشد، نباید منزوی شود (لطفیان، ۱۳۸۴ : ۱۷۷) و این در حالی است که تداوم تنش میان ایران و غرب می‌تواند به انزوای آن منجر شود.

یکی از ابعاد مهم امنیت در دوران پس از جنگ سرد، امنیت اقتصادی است و این امر مستلزم تقویت بنیان‌ها و قدرت اقتصادی ایران است که جز از راه تعامل با اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود اقتصادی و تجاری در دنیا میسر نیست اما وارد شدن در اقتصاد جهانی و حتی ادغام در آن در صورت تداوم تنش با غرب به‌عنوان قدرت اصلی اقتصاد جهانی ممکن نیست. لازمه افزایش قدرت اقتصادی و به تبع آن تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران آن است که تنش در روابط ایران و غرب کمتر شود و غرب مانع از حضور مؤثر ایران در سازمان‌ها و ائتلاف‌های اقتصادی نشود.

بر اساس مفروض‌های فوق، مذاکرات هسته‌ای دوساله ایران و گروه ۵+۱ منجر به امضای توافق هسته‌ای در وین در تیر ۱۳۹۴ شد و این امیدواری را ایجاد کرد که ممکن است ایران و غرب به سمت بهبود بیشتر روابط حرکت کنند.

### **تجزیه و تحلیل یافته‌ها**

آمریکا و اروپا پیش از توافق برجام برای مهار برنامه‌های هسته‌ای، موشکی و فضایی ایران، تحرکات منطقه‌ای ایران برای مبارزه با تروریسم تکفیری و مواردی از این قبیل به سمت تصویب تحریم‌های جامع گام برداشتند. (دهقانی فیروزآبادی و دلاورپور اقدم، ۱۳۹۷) اما پس از پیروزی آقای روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بار دیگر تنش‌زدایی با غرب به‌ویژه از طریق نیل به یک توافق هسته‌ای جامع در دستور کار قرار گرفت و مهم‌ترین اولویت جمهوری اسلامی ایران در این دوره، ترمیم اقتصاد و معیشت کشور و کاهش بار ایران هراسی از دریچه تعدیل تحریم‌ها بود. اروپا نیز به دلیل شرایط بین‌المللی خاصی که در آن قرار داشت، از انگیزه بسیار بالایی برای تقویت روابط با ج.ا.ایران برخوردار بوده و تلاش کرده است تا از ظرفیت ج.ا.ایران بیشترین بهره‌برداری را بنماید. از جمله مهم‌ترین دلایلی که کشورهای اروپایی را مجاب نمود تا به دنبال تقویت و ارتقاء سطح همکاری‌های سیاسی و تجاری با ایران باشند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

## نیاز اقتصادی

کشورهای عضو اتحادیه اروپا به دلیل شرایط نابسامان اقتصادی، انگیزه‌ای برای تداوم عضویت در این اتحادیه نداشته و خواستار رونق اقتصادی هستند. در چنین شرایطی توجه به ج.ا.ایران با دارا بودن جمعیتی بیش از ۸۵ میلیون نفر می‌تواند فرصت مناسبی برای اتحادیه اروپا باشد. بازاری که هنوز اروپایی‌ها در آن ورود نکرده و در صورت ورود به این بازار بکر می‌توانند شرایط رفاه و اشتغال خود را به‌صورت کاملاً مطلوبی بهبود بخشند. اقتصاد ایران حتی در دوره تحریم نیز جزء اقتصادهای میانه و از جهاتی با اقتصاد گروه جی ۲۰ قابل مقایسه بوده است (بلاک منز، ۲۰۱۶: ۲۳). بعلاوه ایران متنوع‌ترین اقتصاد را در منطقه دارد و پتانسیل خروج آن از اقتصاد تک‌محصولی بسیار بالاست (استراتژی اروپا برای روابط، ۲۰۱۶: ۱۴).

اروپا انتظار دارد با رونق اقتصادی ایجادشده با ج.ا.ایران، شرایطی فراهم خواهد شد تا تنش‌های سیاسی خود را با این کشور به حداقل برساند لذا در چنین شرایطی اروپایی‌ها از تغییر رویکرد ج.ا.ایران در قبال تعامل با غرب استقبال کردند.

## امنیت انرژی و نگرانی‌های زیست‌محیطی

جمهوری اسلامی ایران افزایش همکاری‌های اقتصادی با اتحادیه اروپا را در جهت کمک به ثبات منطقه و در راستای منافع و اهداف ملی خود و دیگر کشورهای منطقه ارزیابی می‌کند. از طرف دیگر، ایران به لحاظ قرار گرفتن در مرکزیت منابع گاز و نفت جهان از اهمیت استراتژیکی در سطح جهان برخوردار است (خرازی، ۱۳۸۲). موقعیت استراتژیکی ایران در مرکز خلیج فارس و تنگه هرمز از یک طرف و قرار گرفتن در حدفاصل آسیای میانه و آب‌های گرم خلیج فارس از طرف دیگر، این اهمیت را مضاعف می‌سازد. با توجه به کاهش ذخایر انرژی جهانی در دهه‌های آینده و از طرفی افزایش نیاز کشورهای پیشرفته صنعتی به استفاده از نفت و گاز در سال‌های آتی، به نظر می‌رسد بر اهمیت منطقه خلیج فارس و دریای خزر در تأمین نیازهای انرژی جهان افزوده شود (خالوزاده، ۱۳۹۳: ۱۰).

از طرفی وضعیت کشورهای اروپایی در زمینه انرژی به شیوه‌ای مطلوب و مدیریت‌شده نبوده و از همین رو پراکندگی اعضا و نبود برنامه منسجم انرژی، نمی‌تواند چندان ادامه یابد (پرویزی، ۲۰۱۲: ۷۶). همچنین کشورهای اروپایی از جمله مهم‌ترین واردکنندگان گاز از روسیه هستند. این در حالی است که تیره شدن روابط اروپا و روسیه در خصوص موضوع اوکراین شرایطی را برای اروپا فراهم آورد تا به دنبال کشور دیگری جهت تأمین منابع گازی خود باشد و در این زمینه ج.ا.ایران می‌تواند یکی از بهترین

## بررسی روابط ایران و اروپا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام/کهرازه و آراسته

و مقرون به صرفه ترین گزینه‌های موجود باشد چراکه در صورت تشدید روابط اروپا و روسیه، دیگر امکان واردات گاز از روسیه امکان پذیر نبوده و ایران می‌تواند در این زمینه نقش چشمگیری را برای اروپا ایفا نماید. لذا جهت اینکه اروپا در زمینه مرادوات و تعاملات خود با روسیه نقشی وابسته را ایفا نماید، می‌تواند از طریق گسترش همکاری‌های تجاری با ایران، نیازمندی‌های خود در زمینه گاز را تأمین و با موضع اقتدار با روسیه برخورد نماید نه موضعی تدافعی با نیازمندی در حوزه گاز.

با توجه به موارد مذکور و تمایل دو طرف برای نیل به یک توافق، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ۲۳ تیرماه سال ۱۳۹۴ مورد توافق وزرای خارجه ایران و ۶ کشور (آلمان، آمریکا، فرانسه، روسیه، چین و انگلیس) و فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا قرار گرفت. توافق ژنو نقطه عطفی در صحنه سیاست خارجی ایران به طور عام و در مورد مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای ایران به طور خاص بوده است. (قائم پناه، دشتی ورمزانی، ۱۳۹۵: ۵-۶). این توافق، فضای بین‌المللی در قبال ایران را تغییر داده و عزم سیاسی دولت جدید برای تعامل فزاینده با دنیا را در مصداقی ملی به تصویر کشیده است.

بر اساس این توافق تمامی تحریم‌های یک‌جانبه مرتبط با هسته‌ای آمریکا و اتحادیه اروپا و همچنین ۶ قطعنامه تحریم شورای امنیت و ۱۲ قطعنامه شورای حکام علیه ایران بعد از اعلام آغاز اجرای برجام یا روز اجرا لغو و برداشته می‌شوند. لغو تحریم‌ها موجب می‌شود تا میزان مبادلات تجاری ایران و اروپا پس از تصویب برجام افزایش یابد. در سال ۲۰۱۴ با اجرای توافق ژنو و برجام، گشایش‌های نسبی در مبادلات تجاری ایران با اتحادیه اروپا به وجود آمد. ارزش صادرات ایران به اروپا به کمی بیشتر از یک میلیارد یورو رسید و ارزش کل مبادلات تجاری نیز به رقم ۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون یورو افزایش یافت. در سال ۲۰۱۵ نیز کمابیش مبادلات با همان ارقام مشابه سال ۲۰۱۴ ادامه یافت و همچنان حجم مبادلات در مقایسه با سال‌های قبل از تحریم بسیار اندک بود.

اما در سال ۲۰۱۶ ورق تا حدود زیادی به نفع ایران برگشت و مبادلات تجاری ایران با ۲۸ عضو اتحادیه اروپا در مدار صعودی قرار گرفت. در این سال ارزش تجارت میان ایران و اروپا با رشد ۷۸ درصدی نسبت به سال قبل، به ۱۳ میلیارد و ۷۴۴ میلیون یورو رسید. در سال ۲۰۱۷ نیز با ادامه همان روند صعودی ارزش مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اروپا با رشد ۵۳ درصدی نسبت به سال قبل از آن به ۲۱ میلیارد یورو رسید. واردات اتحادیه اروپا از ایران در سال ۲۰۱۷ با رشد ۸۵ درصدی نسبت به سال قبل از آن به ۱۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون یورو افزایش یافت. صادرات اتحادیه اروپا به ایران نیز در این سال ۳۱ درصد رشد داشت و به ۱۰ میلیارد و ۸۰۰ میلیون یورو رسید.



تجارت با اروپا در نیمه اول سال ۲۰۱۸ نیز روند مثبت خود را حفظ کرد و مبادلات تجاری ایران و اروپا با وجود سنگ اندازی‌های دونالد ترامپ- رئیس‌جمهور آمریکا- و اعمال تحریم‌های جدید، با رشد ۸ درصدی همراه بود. کشورهای اتحادیه اروپا در نیمه اول ۲۰۱۸ میلادی ۶ میلیارد و ۱۱۰ میلیون یورو از ایران کالا وارد و در همین بازه زمانی ۴ میلیارد و ۵۷۰ میلیون یورو کالا به ایران صادر کرده‌اند. کشورهای اسپانیا و فرانسه بزرگ‌ترین واردکنندگان کالا از ایران هستند و آلمان و اسپانیا بیشترین صادرات را میان اروپایی‌ها به ایران دارند (جلالی، ۱۳۹۷). آمار و ارقام ارائه شده به خوبی بیانگر این مطلب است که برنامه جامع اقدام مشترک توانسته است موجب رونق اقتصادی و افزایش سطح مبادلات تجاری با کشورهای اروپایی گردد. هرچند که کارشکنی‌های آمریکا تا حدی مانع افزایش سطح همکاری تجاری ایران و اروپا بوده است لیکن به تناسب قبل از توافق برجام، شاهد رشد چشمگیری در سطح روابط ایران و اروپا می‌باشیم.

همانطور که مطرح شد باوجود همکاری کشورهای اروپایی با ج.ا.ایران و بهبود نسبی مراودات سیاسی و اقتصادی، کارشکنی‌های ایالات‌متحده آمریکا در حین اجرای برجام را نباید نادیده گرفت. علی‌رغم اینکه دو طرف در تلاش بودند تا روابط و مناسبات سیاسی و اقتصادی را بهبود بخشند، جنبه‌های واگرا مانند نگرش به تغییر در جهان عرب یا نقض حقوق بشر در ایران شرایطی را فراهم می‌آورد که ایرانیان نباید کاملاً مطمئن باشند اتحادیه اروپا هرگز موضع خود را درباره برجام تغییر نخواهد داد (اوسویکز، ۷، ۲۰۱۸). در همین راستا برخی از اقدامات و فعالیت‌های اتحادیه اروپا قبل از خروج ایالات‌متحده آمریکا از برجام نشان داد تعهد کشورهای اروپایی به سیاست‌های آمریکا بیش از پایبندی به توافق برجام است.

به عنوان مثال پس از گذشت یک سال از تصویب برجام، سرمایه‌گذاران اروپایی هنوز هم برای آغاز فعالیت‌هایشان در ایران، بی‌میل بودند. یکی از عمده دلایل این بی‌میلی، محدودیت فعالیت بانک‌ها و محدودیت در تأمین مالی پروژه‌ها است. تحریم‌های اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد در بخش‌های بانک و انرژی ایران لغو شده است اما تحریم‌های یک‌جانبه ایالات‌متحده آمریکا علیه اقتصاد ایران همچنان باقی است. این تحریم‌ها شرکت‌های آمریکایی را از انجام معاملات تجاری با ایران منع می‌کند. همچنین بانک‌های ایرانی و خارجی نمی‌توانند برای انجام معاملات مرتبط با ایران، از دلار آمریکا استفاده کنند. طی ۱۰ سال اخیر مؤسسات بزرگ مالی همچون گروه بانکداری فرانسوی «بی ان پی پارینا»، بانک بریتانیایی «چ اس بی سی» و همچنین دوپچه بانک به علت همکاری با ایران و فعالیت‌های مالی در این زمینه، میلیاردها دلار جریمه شده‌اند. این موضوع باعث شده که بانک‌های خارجی همچنان از اعمال تحریم‌های ایالات‌متحده آمریکا هراس داشته باشند. (خبرگزاری یورو نیوز، ۲۰۱۶)

## بررسی روابط ایران و اروپا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام/کهرازه و آراسته

بیانیه ۲۵۶ نماینده پارلمان اروپا علیه ج.ا.ایران و تقاضا برای افزوده شدن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فهرست سیاه و همچنین تمدید تحریم‌ها علیه ایران به بهانه نقض حقوق بشر از جمله مواردی بود که تیرگی روابط ایران و اروپا را در دوران پسابرجام تشدید کرد.

اقدام فرانسه و همکاری رسمی کاخ سفید و کاخ الیزه بر سر تغییر برجام، هم‌زمان با برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک در سال ۹۶ نشان داد تیرگی روابط فی‌مابین ایران و اروپا، حداقل در آینده‌ای نزدیک بهبود یافتنی نخواهد بود. ماکرون در دو دیدار جداگانه با دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس به آن‌ها تعهد داد که تمامی تلاش خود را برای گنجاندن موضوع توان موشکی ایران در برجام یا تحدید هم‌زمان توان موشکی و هسته‌ای ایران به کار خواهد گرفت. همچنین ماکرون به ایالات‌متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در خصوص اعمال فشار بر ایران بابت موضوع بازرسی از امکان نظامی ایران تضمین‌هایی داد (ثمره و برجی، ۱۳۹۷: ۶). به عبارت بهتر، ماکرون از سوی ترامپ و نتانیاهو مأمور شد تا ضمن متقاعد کردن آلمان (دیگر عضو ۵+۱) برای تغییر برجام، ایران را بابت تن دادن به مذاکره بر سر توان موشکی خود تحت فشار قرار دهد و این شرایط به خوبی نشان داد که اروپایی‌ها با وجود نیازمندی ارتباط با ایران در حوزه‌های تأمین انرژی و امنیت، گرایش به سمت آمریکا و رژیم اشغالگر قدس داشته و از سیاست‌های آن‌ها پیروی می‌نمایند.

### **خروج آمریکا از برجام و تغییر رویکرد اروپا :**

شعارهای تند ضد ایران و برجام در دوره کاندیداتوری دونالد ترامپ (کاندیدای جمهوری خواهان) در انتخابات ۲۰۱۶ نشان از آن داشت که چنانچه او در آمریکا قدرت را در دست گیرد دولت حسن روحانی با مشکلات اقتصادی در داخل و انزوای سیاسی در ناحیه مواجه خواهد شد. ورود او به کاخ سفید و کنار گذاشتن سیاست مباشرت اوباما (با نظام جمهوری اسلامی ایران)، باعث خشنودی برخی از جناح‌های اصولگرا در داخل و شادی برخی از حکام منطقه گردید (ساجدی، ۱۳۹۷: ۲۵۱).

در شرایط پسا برجام رویکرد ایالات‌متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران تغییر قابل توجهی نکرده و دو کشور هنوز نتوانسته‌اند در جهت اعتمادسازی گام مؤثری بردارند (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵: ۲۴). از یک‌سو بی‌اعتمادی دو کشور نسبت به یکدیگر و از سوی دیگر چالش‌های پسا برجام، محیط سیاست‌گذاری نخبگان ایالات‌متحده را با نقاط تاریک و ابهاماتی مواجه می‌سازد که تداوم سیاست تحریم را به نفع منافع ملی خود تشخیص می‌دهند. برخی از مهم‌ترین چالش‌های آمریکا در این زمینه عبارت‌اند از: ۱- حصول اطمینان از اجرای صحیح تعهدات هسته‌ای جمهوری اسلامی در برجام و نگرانی از عدم همراهی نهادهای بین‌المللی در صورت بازگشت تحریم‌ها ۲- افزایش قدرت موشکی جمهوری اسلامی و

ضرورت افزایش حمایت ایالات متحده آمریکا از امنیت اسرائیل در منطقه ۳- پاسخ‌گویی به نگرانی کشورهای حاشیه خلیج فارس (متحدان منطقه‌ای ایالات متحده) در خصوص افزایش توان موشکی، دریایی و هوایی ج.ا.ایران ۴- افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در چهار کشور کلیدی منطقه خاورمیانه؛ لبنان، سوریه، عراق و یمن و گسترش روابط با شیعیان کشورهای عربی خلیج فارس (کوردسمن ۸، ۲۰۱۶)

موارد مذکور موجب شد تا ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ خروج آمریکا از برجام را اعلام نماید (ساجدی، ۱۳۹۸: ۱۸) از توافق برجام خارج شود. در همین راستا وزیر خارجه آمریکا، مایک پمپئو در سفر به بروکسل برای شرکت در نشست سران کشورهای عضو ناتو، از متحدان اروپایی این کشور درخواست کرد تا در جهت اعمال تحریم‌های اقتصادی بر ایران با ایالات متحده آمریکا همراهی کنند.

بعد از خروج آمریکا از برجام اروپایی‌ها به پیشگامی فرانسه، انگلستان و آلمان تلاش می‌کنند تا ارتباط مالی و تجاری خود را از طریق سازوکار ویژه مالی با ایران حفظ کنند تا از این طریق به ظاهر بتوانند برجام را حفظ کنند. هدف از این سازوکار ایجاد یک چارچوب مستقل از سیستم مالی ایالات متحده آمریکا برای حفظ تبادلات مالی ایران با اروپا است. سازوکار ویژه مالی مبتنی بر یک «نهاد قانونی» منطبق بر قوانین اتحادیه اروپا خواهد بود. این نهاد وظیفه تبادلات مالی میان ایران و اروپا را بر عهده خواهد داشت. در مرحله اول به شرکت‌ها و کمپانی‌های اروپایی اجازه خواهد داد تا تجارت خود با ایران را حفظ کنند. در مرحله دوم پیش‌بینی شده است که سایر شرکت‌های خارج از اتحادیه نیز بتوانند برای نقل و انتقالات مالی خود از این نهاد بهره‌گیری کنند (نامدار وندائی، ۱۳۹۷). با وجود اینکه در تاریخ ۲۸ ژوئن ۲۰۱۹، اروپا اعلام کرد که ابزار پشتیبانی از صرافی‌ها (INSTEX) عملیاتی شده است و امید جدیدی را برای پس انداز معامله تزریق کرد، بعید است که در دراز مدت دامنه محدود INSTEX پاسخگوی خواسته‌های تهران باشد (دیوسالار ۹ و اوت ۱۰، ۲۰۱۹). هرچه که زمان بیشتری می‌گذرد، اروپایی‌ها در این زمینه از خود تعلل نشان می‌دهند. عملاً مشخص شده اروپایی‌ها خود به تکه‌ای از پازل ضد ایرانی دونالد ترامپ تبدیل شده‌اند و صحبت از اعمال تحریم‌های جدید توسط آن‌ها مطرح است و بهانه حمایت از منافقین و گروهک تروریستی الاحوازیه و مقابله با برنامه موشکی و قدرت منطقه‌ای ایران است.

راهبرد اصلی اروپا؛ مهار، کاهش و از بین بردن گام‌به‌گام مؤلفه‌های قدرت راهبردی ایران است و در زمینه مسائل منطقه‌ای و برنامه‌های دفاعی حتی با جرات می‌توان گفت که اروپایی‌ها نسبت به آمریکایی‌ها حساسیت بیشتری دارند (صادقی نقدعلی، ۱۳۹۸: ۱۷۲).

## بررسی روابط ایران و اروپا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام/کهرازه و آراسته

می‌توان گفت اروپایی‌ها در قبال سازوکار نه‌چندان مشخص اس پی وی (SPV) خواهان تحمیل تعهدات جدید به ایران در زمینه موشکی و مسائل منطقه‌ای می‌باشند. این در صورتی است که با خروج آمریکا از برجام قرار بود به دلیل پایبندی ایران به تعهداتش راه‌های جبرانی برای تضمین منافع اقتصادی تهران در نظر گرفته شود. اروپا به اقتصاد آمریکا وابستگی خاصی دارد در واقع اقتصاد این دو از هم جدا نیست. از طرف دیگر بزرگ‌ترین بانک‌های اروپایی وابسته به آمریکا هستند و هرگونه تبادل بانکی از سوی بانک‌های اروپایی توسط آمریکا ره‌گیری می‌شود.

در بحث چرایی این تأخیر و اینکه چه اهدافی در پشت پرده این مسئله وجود دارد، چند نکته قابل تأمل است:

۱- صرف‌نظر از وابستگی اروپا به آمریکا و ذکر مسائل فوق، اروپا اهداف مختلفی را در سر می‌پروراند؛ به‌گونه‌ای که اروپا به دنبال همان اهداف آمریکا در تسری مذاکرات چندجانبه به مسائل موشکی و منطقه‌ای است. یعنی اروپا در ازای تأسیس کانال مالی، امتیازهای مختلفی از ایران می‌خواهد که یکی از آن‌ها مذاکره در رابطه با مسائل موشکی و منطقه‌ای و تصویب لایحه FATF به‌طور کامل در ایران است. سند این موضوع نیز در سخنان ماکرون است. «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه، مهر ۹۷، در مصاحبه با فرانس ۲۴ گفته بود: «احاطه کردن ایران با یک سیاست الزام‌آور، همان چیزی است که من همواره بر آن تأکید دارم. برای من راهبرد با ایران بر چهار مبنا است؛ حفظ توافق هسته‌ای، توان مدیریت فعالیت هسته‌ای ایران پس از سال ۲۰۲۵ (پایان برجام)، کنترل فعالیت موشک‌های بالستیک ایران و توان مقابله بانفوذ ایران در منطقه. من هیچ‌گاه در برابر ایران ساده‌لوح و زودباور نبودم اختلاف‌نظر ما با آمریکا بر سر شیوه رفتاری ماست».

۲- اتحادیه اروپا به دنبال سیاست وقت‌کشی و گرفتن امتیاز از ایران است. سیاست اروپا در این مقطع، پیگیری همان سیاست آمریکا است. یعنی کانال مالی و ایجاد سازوکار مالی به بعد از تحریم‌ها موکول شد، به‌گونه‌ای که ایران در قبال فشارهای تحریمی آمریکا، مجبور به حداقل امتیازها شود. این حداقل امتیازها نیز برخواسته از تحمیل اراده اروپا بر ایران خواهد بود. به‌گونه‌ای که در برخی از منابع خبری از حذف نفت از مبادلات تجاری ایران و اروپا در کانال مالی خبر دادند. این در حالی است که بنیاد و ریشه این سازوکار مالی برای فروش نفت ایران اعلام شده است.

۳- با توجه به معافیت تحریمی ۸ کشور از خرید نفت ایران، اتحادیه اروپا به‌خوبی پی برده که در شرایط فعلی تبیین سازوکار مالی، به‌منزله سوختن برگ‌های برنده بازی در مقابل ایران خواهد بود. دلیل این ادعا نیز عدم تقبل کشوری خاص در میزبانی از کانال مالی است. در نتیجه اروپا به دنبال کِش دادن

تأسیس سازوکار و مالی بعد از معافیت‌های تحریمی ۶ ماهه آمریکا به ۸ کشور است؛ زیرا از نظر اروپایی‌ها در این مقطع، با توجه به فشارهای اقتصادی به ایران، تهران رویکردی بر اساس دادن امتیازهای بیشتر در قبال کسب حداقل امتیازها خواهد داشت.

۴- اکنون که نه میزبان کارگروه مشخص شده و نه سازوکار خاصی برای آن تبیین شده، اروپایی‌ها به دنبال فشار بر ایران برای تصویب قوانینی همچون FATF هستند. کشورهای اتحادیه اروپا این‌گونه اذعان کرده‌اند که با توجه به قرار گرفتن ایران در لیست سیاه کشورهای موسوم به پول‌شویی، بانک‌های اروپایی به ریسک مبادله با ایران تن نخواهند داد و برای تسهیل در این ماجرا باید قوانین چهارگانه مبارزه با پول‌شویی که قوانین تروریسم هم زیرمجموعه آن است، در ایران تصویب شود. در نتیجه اروپا در این مقطع با امتیازگیری از ایران، شرایط را برای تحریم‌های گسترده‌تر به هر بهانه شفافیت در تبادلات بانکی ایران اتخاذ کرده است (فرهادی، ۱۳۹۷)

این نتایج همه بیانگر زیادی خواهی و زیاد طلبی اتحادیه اروپا است که در یک گام مشترک با آمریکا سعی در تثبیت استعمار و استثمار نوین علیه ایران دارند. این جنگ نابرابر قدرت نظامی ایران را نیز نشان رفته است و در بسیاری از موارد سعی در تضعیف همه‌جانبه ایران دارد. اصرار رژیم اشغالگر قدس، آمریکا و عربستان در مورد دائمی کردن محدودیت‌های نظامی علیه ایران به‌عنوان اقداماتی داوطلبانه برای اعتمادسازی و برای دوره‌ای مشخص پذیرفتنی نیست، نیز هیچ‌وجهت بین‌المللی ندارد زیرا دائمی شدن این محدودیت‌ها به معنی یک کنوانسیون جدید هسته‌ای آن‌هم برای یک عضو آژانس بین‌المللی است که ایران نباید چنین تبعیضی را بپذیرد. اروپاییان با اصرار بر تضعیف نیروی نظامی تنها هدفی که دارند این است که آستانه قدرت دفاعی ایران را در مقابل رژیم اشغالگر قدس و عربستان کاهش بدهند؛ و ایران را در یک جنگ نابرابر در مقابل کشورهای زیاده‌خواه قرار دهند (ثمره و برجی، ۱۳۹۷: ۸).

در نتیجه می‌توان راهبرد و سیاست کشورهای اروپایی در زمان خروج آمریکا از برجام را بدین گونه تشریح کرد که آن‌ها به دنبال اجرایی نمودن سیاست «نرمالیزاسیون» در ج.ا.ایران می‌باشند که مسائلی چون: برجام، FATF، CFT، پالمو، سند فرهنگی ۲۰۳۰، معاهده MTCR و... ذیل آن تعریف می‌شود. هدف نرمالیزاسیون، فقط ایدئولوژی‌زدایی نیست. نرمالیزاسیون یعنی به تحلیل بردن ارکان اقتدار و تبدیل ایران به طعمه‌ای آماده بلعیدن برای قدرت‌ها (ایمانی، ۱۳۹۷)

## بررسی روابط ایران و اروپا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام/کهرازه و آراسته

### نتیجه‌گیری

پس از انقلاب اسلامی، روابط ایران و اروپا همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. در اوایل انقلاب روابط سیاسی و تجاری با اروپا در حال رونق گرفتن بود که پس از واقعه میکونوس، اروپایی‌ها روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کردند لیکن پس از مدت کوتاهی دولت‌های اروپایی بار دیگر به ایران نماینده فرستادند و تنش در روابط تا حدودی کاسته شد. در دولت سید محمد خاتمی به دلیل فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران، مذاکرات فشرده‌ای فی مابین ایران و اروپا انجام شد و از نتایج مهم آن بیانیه تهران و قبول تعلیق غنی‌سازی از جانب ایران بود، البته پس‌ازاین پذیرش، اروپا در درخواستی طمع‌کارانه خواستار توقف کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران شد.

با روی کار آمدی آقای احمدی نژاد موضع تهاجمی در قضیه هسته‌ای اتخاذ گردید و کشورهای اروپایی به دنبال ترغیب ایران جهت تغییر سیاست‌هایش گام برداشتند لیکن اروپایی‌ها در این زمینه موفق نشدند. لذا اتحادیه اروپا، هم‌راستا با تحریم‌های مصوب شورای امنیت در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ اقدام نموده و حتی خود نیز مستقلاً تحریم‌هایی برای فشار مضاعف بر ایران تصویب نمودند. این شرایط موجب شد سطح مراودات سیاسی و مبادلات تجاری ایران و اروپا به پایین‌ترین حد خود در چند سال گذشته برسد.

پس از پیروزی آقای روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بار دیگر تنش‌زدایی با غرب به‌ویژه از طریق نیل به یک توافق هسته‌ای جامع در دستور کار قرار گرفت و مهم‌ترین اولویت جمهوری اسلامی ایران در این دوره، ترمیم اقتصاد و معیشت کشور و کاهش بار ایران‌هراسی از درجه تعدیل تحریم‌ها بود. اروپا نیز به دلیل شرایط بین‌المللی خاصی که در آن قرار داشت (نیاز اقتصادی، امنیت انرژی و نگرانی‌های زیست محیطی، رشد فزاینده قدرت اردوغان در منطقه و...)، از انگیزه بسیار بالایی برای تقویت روابط با ج.ا.ایران برخوردار بود و از این تغییر رویکرد ج.ا.ایران در سیاست خارجی استقبال نمود.

با توجه به موارد مذکور و تمایل دو طرف برای نیل به یک توافق، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ۲۳ تیرماه سال ۱۳۹۴ مورد توافق وزرای خارجه ایران و ۶ کشور (آلمان، آمریکا، فرانسه، روسیه، چین و انگلیس) و فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا قرار گرفت. توافق برجام موجب رونق سطح مراودات سیاسی و مبادلات تجاری ایران و اروپا گردید و علیرغم کارشکنی‌های آمریکا، سطح مبادلات تجاری فی مابین بیش از ۵۰ درصد افزایش می‌یابد. اما با روی کار آمدن دونالد ترامپ، کارشکنی‌ها تشدید شد و آمریکایی‌ها به دنبال تغییر توافق برجام و گنجاندن مسائل موشکی ج.ا.ایران در آن بودند. فرانسه به عنوان نماینده اروپا در این زمینه تلاش کرد تا بتواند ایران را متقاعد نماید لیکن ایران پایبندی خود را به

توافق برجام اعلام نمود و هرگونه تغییری در آن را نپذیرفت. لذا آمریکا که تلاش در این زمینه را بی فایده می دانست از برجام خارج شد و از متحدان اروپایی خواست وی را در این زمینه حمایت نمایند.

بعد از خروج آمریکا از برجام، اروپایی‌ها به پیشگامی فرانسه، انگلستان و آلمان حمایت خود را از برجام اعلام نموده و تلاش کردند تا ارتباط مالی و تجاری خود را از طریق سازوکار ویژه مالی با ایران حفظ کنند. رهبر انقلاب اسلامی ایران نیز شروطی را برای باقی ماندن ایران در برجام اعلام کردند که بر این اساس، اروپایی‌ها باید «سکوت خود در برابر نقض برجام توسط آمریکا را جبران کنند»، «قطعنامه‌ای علیه آمریکا در شورای امنیت ببرند که آمریکا ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ است»، «بحث موشکی و حضور جمهوری اسلامی در منطقه را مطرح نکنند»، «با هرگونه تحریمی علیه جمهوری اسلامی مقابله کنند»، «نفت ایران به قدری که جمهوری اسلامی می‌خواهد به فروش برسد» و «بانک‌های اروپایی انتقال وجوه مربوط به تجارت با جمهوری اسلامی را انجام دهند». لیکن هرچه زمان بیشتری از خروج آمریکا از برجام می‌گذرد، بدعهدی اروپا در پایبندی به برجام بیشتر نمایان می‌شود. اروپایی‌ها در عمل با خروج شرکت‌های تجاری خود از بازار ایران و همچنین تمدید تحریم‌های ظالمانه نشان دادند که تعهد و التزام عملی به توافق برجام ندارند.

در نتیجه می‌توان راهبرد و سیاست کشورهای اروپایی در زمان خروج آمریکا از برجام را بدین گونه تشریح کرد که آن‌ها به دنبال اجرایی نمودن سیاست «نرمالیزاسیون» در ج.ا.ایران می‌باشند. بدین معنا که به دنبال تحلیل بردن ارکان اقتدار ج.ا.ایران بوده و قصد دارند این کشور را به طعمه‌ای آماده بلعیدن برای قدرت‌ها تبدیل نمایند. ج.ا.ایران نیز بدعهدی‌های طرف اروپایی را بدون پاسخ نگذاشته و در پنج مرحله کاهش تعهدات برجامی را انجام داده است. بدعهدی اروپا و اقدامات ایران مبنی بر کاهش تعهدات برجامی مجدداً باعث تیره شدن روابط فی‌مابین شده و پس از گذشت پنج سال از توافق برجام، همچنان فراز و نشیب‌های مراودات سیاسی و مبادلات تجاری ادامه داشته و رونق اقتصادی باثباتی در ج.ا.ایران ایجاد نشده است.

در چنین شرایطی برای برون‌رفت از شرایط فعلی و مدیریت مطلوب توافق برجام، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد.

- ج.ا.ایران سیاست کاهش تعهدات برجامی را با جدیت دنبال نموده و برای بهبود و تقویت شرایط اقتصادی کشور، به تولیدات داخلی توجه ویژه‌ای داشته باشد و در راستای تحقق شعار سال ۱۳۹۹ (جهش تولید) اقدامات مؤثر و مثمر‌تری را در دستور کار خود قرار دهد. در این زمینه دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در عین پایبندی به منافع ملی و خطوط قرمز نظام، از جمله عزت و اعتبار ملی، باید با تأکید بر

### بررسی روابط ایران و اروپا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام/کهرازه و آراسته

دیپلماسی هوشمندانه مانع از حاکم شدن مجدد فضای ایران‌هراسی ناشی از پیشبرد برنامه صلح‌آمیز هسته-ای در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شوند.

- با ایجاد بحران اوکراین و تیره شدن روابط اروپا و روسیه، اروپا بخش اعظمی از انرژی خود را می‌بایست از خلیج فارس تأمین نماید لذا تأمین امنیت خلیج فارس برای اروپایی‌ها از اهمیت شایانی برخوردار است و از آنجائیکه ایران در این تأمین امنیت نقش برجسته‌ای دارد، ایران باید نقش و چهره‌ای مسئولانه از خود در قبال تأمین امنیت خلیج فارس ایفا نموده و تلاش نماید ارتباط خود را با اروپا ادامه داده و از ظرفیت اروپایی‌ها در رونق اقتصادی کشور بیشترین بهره‌برداری را بنماید.



## منابع

- ۱) اسلامی، محسن، نقدی، فرزانه (۱۳۹۵). ابزار تحریم و سیاست خارجی امریکا در قبال ایران، نشریه روابط خارجی، دوره ۸، شماره ۴، صفحه ۳۷ تا ۷۱.
- ۲) ایمانی، محمد (۱۳۹۷). ماجرا فراتر از FATF و برجام است، روزنامه کیهان. شماره ۲۲۱۱۲، ص ۲
- ۳) بلیس، جان و اسمیت استیو (۱۳۸۴). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌المللی در عرصه نوین، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- ۴) پرشین بلاک (۱۳۹۱). نظریه سازه‌نگاری در روابط بین‌الملل. قابل دسترس در: <https://polici.persianblog.ir/8w53mxXeJ0CnMornv4or>
- ۵) ثمره، روح‌الله، برجی، مریم (۱۳۹۷). روابط ایران با اروپا پس از خروج آمریکا از برجام، کنفرانس ملی علوم اسلامی و پژوهش‌های دینی.
- ۶) جلالی، نیلوفر. (۱۳۹۷، ۵ آبان). تجارت با اروپا قبل و بعد از برجام، روزنامه همشهری.
- ۷) خالوزاده، سعید (۱۳۹۳). واکاوی روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا؛ پیشنهادات و راهکارهای عملی به‌منظور تعامل سازنده، تهران: اندیشه و تدبیر.
- ۸) دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۴). سازه‌نگاری الکساندر ونت: امتناع گذار از بن بست‌های تئوریک روابط بین‌الملل و دستیابی به راهی میانه، فصل‌نامه جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم.
- ۹) دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۳۹۷). برآورد سیاست‌های تحریمی کنگره امریکا در دوران پس‌برجام، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۶
- ۱۰) ساجدی، امیر (۱۳۹۷). کندی توسعه خاورمیانه، قم: نسیم کوثر.
- ۱۱) ساجدی، امیر، ساجدی، سیناز (۱۳۹۸). خروج آمریکا از برجام و تلاطم در اقتصاد ایران، مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۴۶
- ۱۲) شمس‌آبادی، علی (۱۳۹۶). ایران و اتحادیه اروپا پس از توافق هسته‌ای؛ انگیزه‌ها و موانع، ماهنامه پژوهش ملل ۲ (۱۷)
- ۱۳) صادقی نقدعلی، زهرا (۱۳۹۸). برجام، تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۴) فرهادی، محمدرضا (۱۳۹۷). چرا کانال مالی اروپا شکل نمی‌گیرد؟ قابل دسترس در <http://www.alef.ir/html.3970924027/news>

## بررسی روابط ایران و اروپا قبل و بعد از خروج آمریکا از برجام/کهرازه و آراسته

- ۱۵) قائم پناه، صمد، دشتی ورمزانی، منیر (۱۳۹۵). نقش برجام در توسعه روابط اتحادیه اروپا و ایران، مجله پژوهش های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۷، شماره ۲۷، صفحه ۱۵۷-۱۲۷
- ۱۶) فریسی، فردین (۱۳۸۱). جهانی شدن و تحول در تصور ما از خویشتن، فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۱۱.
- ۱۷) قهرمانپور، رحمن (۱۳۹۵). سیاست خارجی و دیپلماسی هسته‌ای ایران، از تقابل تا اعتمادسازی، تهران، انتشارات تیسرا. چاپ یکم.
- ۱۸) کریمی، جهانگیر (۱۳۸۴). تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مساله غرب، چاپ اول (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، صفحه ۲۷.
- ۱۹) لطفیان سعیده (۱۳۸۴). سیاست خارجه جمهوری اسلامی و خاورمیانه، نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران. ایران.
- ۲۰) متقی، ابراهیم، کاظمی، حجت (۱۳۸۶). سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست. شماره ۴.
- ۲۱) محمدنیا، مهدی (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های اصولگرا و اعتدال، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره ۲. شماره ۱.
- ۲۲) مسعودی، ح (۱۳۹۸، ۱۲ دی). گام پنجم کاهش تعهدات برجامی ایران تبیین شد: ۱۵ دی ماه، پایان برجام، روزنامه رسالت.
- ۲۳) نامدار وندائی، سالار (۱۳۹۷). از سازوکار ویژه مالی اروپا برای حفظ برجام چه می دانیم؟ ملاحظات برای ایران، اندیشکده راهبردی تبیین. قابل دسترس در <http://tabyincenter.ir/28389>
- 24) Blockmans, S (2016). EU Iran relations After Nuclear Deal. CEPS.
- 25) Cordesman, A. H. (2016). Iran after the Agreement. In C. COHEN & M. G.DALTON (Eds.), Global Forecast 2016 (p: 30-32). Washington, DC: Center for Strategic and International Studies (CSIS).
- 26) Demir, Srtif (2016). Turkey's Foreign Policy and Security Perspective in 21th Century. Brown Walker Press.
- 27) Divsallar, A., & Otte, M. (2019). Reviving the Security Function: EU's Path to Save the JCPOA.
- 28) Economist (2016). Erdogan New Sultanate. Special Report Turkey.
- 29) EU restrictive measures (sanction) in force (2016). EUROPEAN COMMISSION Service for Foreign Policy Instruments.
- 30) Factsheet, The European Union and Iran (2016). Council of European Union.

- 31) Giumelli, B. F., & Ivan, P (2013). The effectiveness of EU sanctions, European Policy Centre.  
<http://www.globalissues.org/article/39/a-primer-on-neoliberalism>.
- 32) Korteweg, rem (2013). EU and Iran. Center for European reform.
- 33) Ministry for EU Affairs (2014). Turkey's New EU Strategy. Republic of Turkey.
- 34) Mohsani, Payam (2015). Views from the Arab World and Iranian Politics Post-Nuclear Deal, Harvard Kennedy School, Cambridge.
- 35) Musavian, Hossein (2008). Iran- Europe relation Challenges and Opportunities. Routledge.
- 36) Osiewicz, P. (2018). EU-Iran Relations in the Post-JCPOA Period: Selected Political Aspects. *Przegląd Politologiczny*, (2), 153-16
- 37) Parvizi, Amineh (2012). Secure oil and alternative Energy. BRILL
- 38) Stein, Janice Gross (2005), "Psychological Explanations on International Conflict in Walter Carlsnaes, Thomas Riss and Beth A.

یادداشت‌ها :

- 
- 1 Wicht
  - 2 Stein
  - 3 Blockmans
  - 4 EU Strategy for Relation
  - 5 Parvizi
  - 6 Implementation Day
  - 7 Osiewicz
  - 8 Cordesman
  - 9 Divsallar
  - 10 Otte